



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۵ فروردین ۱۴۰۱ - ۲۵ مارس ۲۰۲۲

کارگران جهان متحد شوید!

"کشور ما" یک واژه، یک اشتباه! بشریت یک

واقعیت، یک حقیقت!

بازخوانی یک پیام از کمون پاریس

صفحه ۳

رحمان حسین زاده

نظم نوین جهانی بوش یا بایدن؟

صفحه ۶

نادر شریفی

ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تنظیم: سپیده امیر عسگری، آرش کلهر

کارگران جهان متحد شوید!

در اول مه نه شاهی ناجگذاری کرده است، نه مذهبی آمده است، و نه "ملتی" درست شده است! اول مه روز یک طبقه جهانی، روز یک جنبش بین المللی کارگری است که برای تغییر ریشه ای جهان، برای انقلاب کمونیستی مبارزه میکند!

اول مه روز صاحبان واقعی جهان است! روز بشریتی است که جهان بدون کار او نمیتواند سرپا بماند! روزی است که اسپارناکوس های این جنبش، رهبران کمونیست و سوسیالیست کارگران، اعلام میکنند: برای رهایی جامعه راهی جز انقلاب کارگری، انقلاب بردگان مزدی، علیه سیستم بردگی مزدی وجود ندارد!

زنده باد اول مه!

زنده باد اترناسیونالیسم کارگری!

زنده باد انقلاب کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

زنده باد اول مه!

افق طبقه کارگر ملی نیست، مذهبی نیست، جنسیتی نیست، استقلال طلب و خودمختاری طلب نیست، منفعت صنفی خاصی را دنبال نمیکند، دین ویژه ای نمی آورد و در پی احیای سنت های عتیق و باستانی بشر نیست. کارگران میخواهند مبنای نظم مبنای بر تبعیض و نابرابری، نظم مبنای بر استثمار کار مزدی و مالکیت خصوصی را تغییر دهند.

اول مه پرچم طبقه کارگر رادیکالی است که تغییر این جهان وارونه و نظم سرمایه داری را امر فوری خود میدانند. اگر جنبشها و طبقات دیگر آزادی قسمتی و حقوق ویژه ای را نهایت اهداف خود قرار داده اند، طبقه کارگر در عین طرح مطالبات بلاواسطه اش، که آنها در چهارچوب رفاه همگانی قرار دارد، پرچم آزادی انسان از سلطه و انقیاد سیاسی و اقتصادی سرمایه داری و مناسبات بردگی مدرن مزدی را برافراشته است. این یعنی کارگر برای آزادی ناچار است همه را آزاد کند و در اسارت نگهداشتن بخشی از جامعه منفعتی ندارد. این یعنی طبقه کارگر آزاد نمیشود مگر اینکه کل جامعه را آزاد کند.

زنده باد انقلاب کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

مارس ۲۰۲۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

در اول مه علیه سرمایه داری پاخلیم!

ما کارگران هرچه بیشتر کار میکنیم، سرمایه قدرتمندتر میشود! هرچه سرمایه بیشتر قدرتمند میشود، زنجیر اسارت طبقه ما محکم تر میشود! در حالی که میلیون ها کارگر بیکار و زندگی شان نابود میشود، سرمایه داران از صدها میلیون دلار حمایت از جیب ما کارگران بهره مند میشوند!

کارنامه سرمایه داری مملو از جنایت علیه زندگی و عواطف ما کارگران است! سرمایه داری با تشدید فشار کار و کاهش دستمزدها، با بیکار سازی و ایجاد رقابت در صفوف ما، با گسترش کار قراردادی و افزایش ساعات کار، با تحمیل فقر مستمر و با موعظه توجیه این اوضاع، هستی ما کارگران را در چهار گوشه جهان گرو گرفته است!

کارگران! این نظام شایسته ما و بشر امروز نیست! این نظام بدون جنایت و فقر و تبعیض و نابرابری نمیتواند سرپا بماند! رهائی ما کارگران در گرو انقلاب علیه سلطه سیاسی و اقتصادی سرمایه است! در اول مه باید خشت خشت کاخهای قدرت بورژوازی را بلرزانیم! در اول مه باید فریاد زنیم! نابود باد سرمایه داری! یک دنیای بهتر باید ساخت! جهانی آزاد و برابر و مرفه، یک جامعه آزاد کمونیستی!

زنده باد انقلاب کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

مارس ۲۰۲۲



مرگ بر جمهوری اسلامی!



اولین احساسم در مقابل این پیام، سرتعظیم فرود آوردن در مقابل بلندای اراده و جسارت خلاف جریانی، در مقابل بلندای اهداف عمیق انسانی و خصلت انترناسیونالیستی نگرش رهبران و سازندگان کمون پاریس است. همین پیام به تنهایی لوحه شفاف و زرینی برای شناساندن حقانیت و ماهیت و محتوای عمیقاً انقلابی و کمونیستی و ضد خرافه هویت سازی کاذب و متعلق به جبهه انسانیت است.

دوستان! این پیام کمون را در مقطع تاریخی ۱۵۰ سال قبل باید گذاشت و دید. یعنی در میانه پیدایش و گسترش نظام کاپیتالیستی قرن نوزدهم، که نظم جدیدی در مقابل نظم کهن فئودالی، ملوک الطوائفی و شاهان بود. دوره کشور سازی متکی به ملت و ملی گرایی که بخشهایی از قوانین و سنت کهن را جارو میکرد، عناصر جدید و بخشا پیشرو را آورده بود. در آن شرایط اینچنین و با صراحتی که در این پیام آمده، شوریدن جسورانه علیه پدیده "کشور و کشورسازی و تعیین مرزهای جغرافیایی ممنوعه" به دور انسانها به نظرم خودآگاهی طبقاتی بالا و مهمتر جسارت بیان و تلاش برای جاری کردن آن، نگرش و تعلق اجتماعی محکم به کارگر و انسانیت را طلبیده است. به گمان من کموناردها در تجربه عملی خود دیده بودند، مرزهای دلخواهی و به زور ایجاد شده در جغرافیایی به نام فرانسه بر طبق منافع استثمارگران سرمایه، به زندان و جغرافیای پر از رنج و ستم و جنگ و ناامنی کارگران و مردم محروم تبدیل شده و تا چه اندازه به همسرنوشتی انسانها در داخل و خارج فرانسه لطمه زده است. به این دلیل آنها خواستار دنیای بیمرز بودند. آنها دیده بودند، مناسبات طبقاتی نوین و استثمارگرانه سرمایه داری، با اتکا به موعظه کشیشان و خرافه گرایان ناسیونالیست، موجب استثمار انسان به دست انسان، استثمار کارگران و انسان کارکن و کار مزدی، گسترش تبعیض همه جانبه و نابرابری و فقر و بیکاری و مصائب نظم سرمایه است و اکیدا خواستار جارو کردن آن و به دست مرگ چنین فرانسه ای بودند.

محور دوم این پیام میگوید: "اینکه ما به طور اتفاقی در اینجا متولد شده ایم یا در آنجا ملیت ما را تغییر میدهد و از ما دوستان و دشمنان میسازد" منظور اینست دسته بندی ملی و دشمن تراشی ملی چقدر سیال و بی پایه و به قول کموناردها احمقانه مبنای تفرقه و جدایی انسانها است. به تجربه خودمان به عنوان انسانهای زنده مقطع حاضر نگاه کنیم. هر یک از ما در جغرافیایی متولد شده و هویت کاذب "کشوری و ملی" آنجا را بر پیشانی مان چسبانده اند. خیلی های حاضر در این جلسه برای دو یا سه دهه است به جغرافیاهای دیگر در کشورهای غربی و اروپا منتقل شده ایم، به کار و شغل و زندگی مشغولیم، بعضی ها فرزندانمان همین جا متولد شده اند، شهروندی همین کشورها را گرفتیم، اما هنوز که هنوز است، بر اساس هویت عقب مانده "کشوری، ملی" سابقمان و بیگانه نگرستن مان، تبعیض و نابرابری و تحقیر را جاری میکنند. تازه این تجربه کشورهای پیشرفته و متمدن تر دنیای معاصر است. صحبت از کشورهای عقب مانده تحت حاکمیتهای استبدادی خشن ملی مذهبی نیست. دقت کنید میتوان تصور کرد، هر یک ما به جای تولد در ایران و عراق و کردستان، ممکن بود، در آلمان و فرانسه و دانمارک و هلند و آمریکا و مصر و اسرائیل و برزیل ... متولد شویم، آنگاه به

"کشورما" یک واژه، یک اشتباه! بشریت یک

واقعیت، یک حقیقت!

بازخوانی یک پیام از کمون پاریس

رحمان حسین زاده

توضیح: نوشته زیر مربوط به صد و پنجاهمین سالگرد کمون پاریس است که سال گذشته در سمینار گرامیداشت این رویداد بزرگ و درخشان متعلق به طبقه کارگر و محرومان فرانسه و جهان ارائه شد. در شرایطی که کاپیتالیسم و قطبهای اصلی و ضد انسان آن، جهان را به بربریت بی نقاب سوق میدهند، یادآوری مهمترین درسهای کمون پاریس ضد سرمایه داری، برای مبارزه امروز طبقه کارگر و کمونیستها اهمیت دارد. به این دلیل این مطلب مجدداً منتشر میشود.

در مسیر ۱۵۰ ساله بعد از کمون پاریس تاکنون و در این مدت طولانی، در مورد اهداف و اقدامات کمون، کاراکتر رهبران جسوران و دستاوردها و کمبودهای این تجربه مهم و کوتاه مدت اولین حکومت کارگری در ابعاد وسیع گفته و نوشته شده است. نایبغهایی چون مارکس، انگلس و لنین جمع بندی خود را از کمون پاریس ارائه کرده اند. بیشارمان دیگر در این باره نوشته و گفته اند. در نتیجه از شما چه پنهان، اوایل تردید داشتیم در این سمینار بحثی ارائه کنم. به خود میگفتم، همه چیز گفته و نوشته شده است. حرفی برای گفتن نمانده است! اما چشمم به یک پیام فشرده و کوتاه کمون پاریس افتاد که در فوریه سال ۱۹۹۴ میلادی، بهمن ماه ۱۳۷۲ در نشریه کمیته کردستان حزبمان منتشر کردیم. این پیام توجهم را جلب کرد، که بازخوانی آن را در این سمینار ارائه کنم. قبل از بیان ارزیابی ام از درسهای این پیام کوتاه و مهم، بگذارید، مستقیماً آن را قرائت کنم.

یک پیام از کمون پاریس

"کشورما" یک واژه، یک اشتباه! بشریت یک واقعیت، یک حقیقت. کشور واژه ای است نظیر بت و خدایان که توسط کشیشان و شاهان ساخته شد تا حیوانات باشعور را در محدوده های معینی محصور نگاه دارند، جایی که آنها را در جهت منافع اربابان، تحت نظر و بنام موقعیت کثیف آنها در انقیاد نگه میدارند. اینکه ما بطور اتفاقی در اینجا متولد شده ایم یا در آنجا، ملیت ما را تغییر میدهد و از ما دوستان و دشمنان میسازد. بگذارید به این بازی احمقانه گردن ننهیم و این مضحکه را که ما را همیشه در بند نگه میدارد، بدور افکنیم. بگذارید "کشور" به واژه ای توخالی به یک تقسیم بندی بی ارزش اداری تبدیل شود. کشور ما جایی است که در آن زندگی آزاد باشد و کارها رو براه.

مردم! کارگران! آفتاب در حال طلوع است، با این امید که نابیناییها پایان بگیرد.

سرنگون باد مستبدین و جلدان! فرانسه مرده است، زنده باد بشریت!

"کشور ما" یک واژه، یک اشتباه! بشریت یک

واقیعت، یک حقیقت!

بازخوانی یک پیام از کمون پاریس ...

جای خرافه هویت ملی و کشوری، ایران و عراق و کردستان، هویت وارونه و دست ساز آلمانی، هلندی، دانمارکی، اسرائیلی و مصری را بر پیشانیان می چسپاندند و بر اساس این حماقت، تعصبات و دوستی و دشمنی ها را نوع دیگری بر ایمان تعریف میکردند. میخواهم بگویم کموناردها بی نهایت محق بوده اند که نوشته اند "بگذارید به این بازی احمقانه گردن ننهیم و این مضحکه را که ما را همیشه در بند نگه میدارد، بدور افکنیم". به باور من یکی از درسهای مهم کموناردها برای امروز طبقه کارگر جهانی و کمونیستها اینست که این حماقت تن ندهیم و ما هم تاکید کنیم. "بگذارید کشور و من اضافه میکنم، ملت و ملی گرایی و خرافه دولت - ملت" که هنوز ایدئولوژیهای بورژوا موعظه اش میکنند، به واژه ای توخالی، به یک تقسیم بندی بی ارزش تبدیل شود. "کشور ما جایی است که در آن زندگی آزاد باشد و کارها روبراه" هر جا هستیم برای زندگی آزاد و بهتر و جامعه روبراه تلاش کنیم.

محور دیگر این پیام رسا و فشرده، اینست وقتی که کموناردها قدرت سیاسی را تصرف کرده و اولین حکومت کارگری و کمونی را ایجاد کرده اند، علیرغم دشواریها و سختی های فراوان، اما بسیار خوش بین فراخوان داده اند:

"مردم! کارگران! آفتاب در حال طلوع است، با این امید که نابینایها پایان بگیرد" این پیام آنها در شروع اعمال قدرت کارگری، امیدوار به گسترش و طلوع آن در دیگر شهرهای فرانسه و چه بسا اروپا و خوش بینی نسبت به پیروزی قطعی است. آنها حق داشتند، در آغاز پیروزی، به فرجام پیشروی و موفقیت کار خود امیدوار باشند. اگر این اتفاق میفتاد، و تصور کنید حکومت کارگری در فرانسه تثبیت میشد، چهره اروپا و دنیا تغییر میکرد. بورژوازی هار این را میدانست، بر این اساس بی توهم و با همه توان سبانه تصمیم به شکست کشاندن کمون پاریس گرفت. ارتجاع بورژوایی فرانسه و آلمان در حال جنگ، از هیچ توطنه و ائتلاف مشترکی علیه کمون پاریس و کموناردها کوتاهی نکردند. این جانپان تاریخ سی هزار کمونارد قهرمان را به قتل رساندند و چند برابر آن زندان و شکنجه و تبعید و زیر فشار طاقت فرسا قرار گرفتند. بورژوازی فرانسه با همدستی بورژوازی پروس با تمام ظرفیتهای جنایتکارانه کمون نوپای پاریس را در خون غلطاندند. اما نتوانستند آوازه تجربه و دستاوردها و اراده و جسارتهای بی نظیر رهبران جاویدان کمون را در یک قرن و نیم اخیر بزدایند. امروز گرامی داشت جهانی صد و پنجاهمین سالگرد کمون پاریس گوشه ای از این واقیعت پایدار است.

بخش پایانی این پیام کوتاه کمون پاریس این شعار عمیقاً پر معنای

آزادخواهانه و انسانی است.

"سرنگون باد مستبدین و جلدان! فرانسه مرده است، زنده باد بشریت"

چه متهورانه، چه جسورانه و پر از اراده خلاف جریانی! این یعنی دفن نظم استعمارگرانه به نام کشور و در این دوران ما به نام "ملیت و هویت ملی و خرافه دولت - ملت". به نظرم این درجه از تعرض حق طلبانه به خرافه "کشور و کشورسازی و ملت و هویت ملی" از دوره بعد از کمون و حتی در تجربه انقلاب کارگری بزرگ اکتبر نمی بینیم. علت اینست از آن دوره تاکنون بورژوازی جهانی و محلی عقب گرد محافظه کارانه ای را به انترناسیونالیستها، به کمونیستها و کارگران کمونیست تحمیل کرده اند. این پدیده به ویژه بعد از شکست انقلاب سوسیالیستی اکتبر بسیار مشهود است. ناسیونالیسم چپ بورژوازی در فرمت سوسیالیسم بورژوایی روسیه و چین و اقمار آنها برای چندین دهه خود بستر تقدس "کشورسازی مستقل و ملی و هویت ملی" شدند. طبقه کارگر را به دنبال پروپاگاندا توخالی "منافع ملی و استقلال کشور" کشاندند. کارگر و مردم محروم را به نیروی جنگهای "ملی و میهنی" تبدیل کردند. به اعتقاد من اگر کموناردهای پاریس فجایع جنگ جهانی اول و دوم، جنگهای تحمیلی قدرتهای جهانی و امپریالیستی را در ویتنام و هند و چین و خاورمیانه و آفریقا و آسیا زیر نام "منافع ملی و کشوری" میدیدند، تردیدی نیست، قاطعانه تر ادعای کمونیستی را علیه نظم وارونه "کشورها و ملتها و منافع ملی" صادر میکردند. اکنون وقت آنست کارگران کمونیست و کمونیستهای کارگری ماگزیالیست بنا به ضرورت این دوران رساتر و شفافتر به این سنت و سیاست طبقاتی کموناردهای پاریس پای بفشاریم.

در نتیجه در پایان تنها به عنوان یک تجربه در میان دهها تجربه با ارزش کمون پاریس این ضرورت را باید برجسته کرد، که برای رهایی از نظم وارونه کاپیتالیسم معاصر و گلوبال، به یکی از ارکانهای ایدئولوژیک و سیاسی سرمایه داری "ملت و هویت ملی و دولت - ملت و منافع ملی" درست همانند خرافه مذهب لازمست تعرض ماگزیالیستی را سازمان دهیم. من هم با الهام از جمله با ارزش کموناردها تاکید میکنم به "پازی احمقانه دسته بندی ملی و هویت ملی و کشوری" تن ندهیم. با جسارت اعلام کنیم؛ "ملی گرایی، هویت ملی و ناسیونالیسم را دفن کنیم، زنده باد انسانیت".

زنده باد کمون پاریس! زنده باد حکومت کمونی و شورایی!



کارگر، معلم پیاخیز، برای رفع تبعیض!

نظم نوین جهانی بوش یا بایدن؟

نادر شریفی

نوام چامسکی زبان‌شناس، فیلسوف، دانشمند علوم شناختی، مورخ، منتقد اجتماعی و فعال سیاسی که "پدر زبان‌شناسی مدرن" نیز نامیده می‌شود، معتقد است که ۲۰ تا ۲۵ درصد آمریکایی‌ها در سیاست‌گذاری حکومت آمریکا تأثیر گذار هستند. البته این ادعای چندان درستی نیست. چرا که انتخاب بین دو حزب حاکم که در سیاست خارجی ابد و در سیاست داخلی تفاوت‌های ذره بینی دارند، روشن نیست چه "تأثیرگذاری" جدی بر سیاست‌های یک کشور، و آنهم کشوری مثل آمریکا، می‌تواند بوجود آورد؟ خود نوام چامسکی معتقد است که امکان عروج حزب سومی با مکانیسم‌های موجود در ایالات متحده آمریکا نه تنها ممکن نیست، بلکه از نظر او حتی ضروری هم نیست. بنابر این حتی اگر ۱۰۰٪ درصد مردم آمریکا می‌توانستند در پرتو دو حزب بورژوازی حاکم تأثیر گذاری کنند، اتفاق چندان بزرگی صورت نمی‌گرفت. من برخلاف ایشان معتقدم که اتفاقاً نیروی سومی، نیرویی از جنس دیگری تنها می‌تواند تأثیرگذار بر روند رشد مثبت جوامع بشری باشد.

اما اجازه بدهید تصور کنیم که نه ۲۵ درصد از مردم آمریکا، بلکه اکثریتی از مردم آمریکا بطور واقع امکان تأثیرگذاری و آنهم مثبت بروی سیاست‌های حکومت در آمریکا را داشتند. آنوقت نه از صدها کودتا در سراسر جهان توسط سیا و دیگر سازمان‌های امنیتی حکومت‌های دیکتاتوری در قدرت خبری بود و نه از نیروی نظامی اول جهان و ناتو با مشت آهنین اش با صدها جنگ کوچک و بزرگ برای تحکیم سرمایه داری در قرن بیست و یک که زندگی نزدیک به هشت میلیارد انسان را بروز سیاه نشانده بود! تصور کنیم که ایالات متحده آمریکا نه بازوی سرکوب هرگونه آزادیخواهی و انساندوستی و عدالت طلبی، که مدافع منافع اکثریت مردم، حتی همان دموکراسی، در سراسر جهان بود. آنوقت نه از طالبان خبری بود و نه از جمهوری اسلامی! نه از بمباران ناتو در یوگسلاوی و نه سوریه و عراق و افغانستان و غیره. اسرائیل هم احیاناً کشوری بود همجوار کشورهای همسایه اش و هر سنگ پراکنی نوجوان پانزده- شانزده ساله را با تخریب ساختمان‌های مردم بی‌گناه فلسطین جواب نمی‌داد.

اما ایالات متحده آمریکا نه تنها حافظ منافع مردم جهان که حتی حافظ منافع مردم خودش هم نیست. حکومت و هیئت حاکمه آمریکا تنها حافظ منافع نظم سرمایه داری و در تلاش برای اعاده و تحمیل رهبریش به جهان سرمایه با استفاده از هر ابزاری است. روشن است که امروز ایالات متحده آمریکا نه مقام اول اقتصادی نظام جهانی سرمایه را بدست دارد و نه یکه تاز در برتری تکنولوژیکی و نظامی در جهان چند قطبی است. آمریکا حتی در پی یک سیاست "هوشمند" که یکپارچگی نظام سرمایه را مد نظر داشته باشد، نیست. رها کردن

اروپای غربی و درگیر کردن آنان به جنگ فرسایشی با روسیه، جستجو در ایجاد پیمان‌های جدید اقتصادی و نظامی حاکی از آن دارد که هیئت حاکمه آمریکا همچنان معتقد است که اولاً جهان به او تعلق دارد و دوماً برای بدست آوردن دوباره رهبری جهان آماده اند دست به هر اقدامی بزنند حتی اگر کره زمین تا مرز نابودی کشانده شود.



این دقیقاً همان ویژگی بنیادی نظام سرمایه داری است که با پیشرفت تمدن بشری در تناقض است. سرمایه و سرمایه داری در رقابتی جنون آمیز است که در فرم "غیر متعارف" خود را با جنگ نمایان میکند. برای همین جنگ هم بمعنای کلاسیک اش و هم بمعنای دیجیتالی اش، برای بورژوازی و جهان چند قطبی یک ضرورت و در صورت پیروزی یک "نعمت" است که خود را در متلاشی کردن مدنیت جوامع بشری و کشتار مردم بی‌دفاع نمایان میکند. جنگ امروز در اکرین بیان کننده عمیق رقابت در تحمیل "معادلات دیگری" با ابزارهای کشتار جمعی است که خود را نه در چهارچوب مرزهای سیاسی اکرین که در سراسر جهان و حتی در عمیق ترین لایه های مناسبات جوامع بشری نمایان کرده است. از جنگ مدیا گرفته تا لغو "تقدس مالکیت" رقیب. بنابر این جنگ و رقابت لازم و ملزوم یکدیگر و ادامه منطقی همدیگرند. علاوه بر این جنگ یک رویکرد غیر قابل اجتناب برای جهان اشباع شده از کالا و تولیدات نیز هست. پس از نابودی و ویرانی، بازسازی ضروری است. جنگ همخوانی عجیبی با بیکار سازی و بیرون کردن کارگر از فرایند تولید نیز دارد. عملاً روزانه صدها بل هزاران کارگر که امروز بنام "سرباز" و "جنگجو" شناخته می‌شوند برای همیشه از فرایند تولید به بیرون پرتاب میشوند. با به بیرون پرتاب کردن عنصر اصلی تولید، بازارهای اشباع شده کم کم از محصول خالی شده و تقاضا بیشتر خواهد شد. نتیجتاً و در این مورد مشخص، صدها شهر توسط دهها هزار تانک و توپ و دیگر ابزار کشتار جمعی نابود شده اند و پس از پایان جنگ، آن آکتوری که "پیروز" و یا "پیروزتر" شده است، سفارشات بیشتری هم در صنایع نظامی بدست خواهد آورد و هم بازارها را مملو از "کالاهای" خود خواهد کرد.

این چهره واقعی و کره جنگ‌های امپریالیستی برای منفعت طلبی و تحمیل معادلات جدید در جهان سرمایه است. قابل انتظار هم بود که این وسط جو بایدن پرزیدنت وقت ایالات متحده آمریکا هم بیاید و در نطقی دوباره از آغاز "نظم نوینی" به رهبری آمریکامریام صحبت کند. دست آخر معلوم نیست که باید نظم نوین جهانی شکست خورده پس از پایان جنگ سرد بوش پسر را بپذیریم؟ و یا نظم نوین جهانی بایدن پس از بوش را؟ و یا شاید هر دو آنان را در تلاش هر در رهبری دوباره جهان سرمایه؟! البته با مشخصه های بسیار متفاوت. اولی با دخالت مستقیم نیروی نظامی آمریکا و دومی با دخالت نیروهای نظامی نیابتی آمریکا!

نوین" بایدن را، برای جوامع بشری بین اولی و این آخری فرق چندانی با یکدیگر ندارند. اولی شکست خورد و دومی هم سرنوشت بهتری نخواهد داشت. سرمایه داری اصولاً نظامی کهنه است و رهبری این و آن کشور یا ترکیبی از کشورها، ممکن است جایگاه قدرتها را عوض و یا تغییر دهد اما ماهیت ارتجاعی و ضد کارگری آنها را حفظ و گسترش میدهد.

برای ما کمونیستهای کارگری اما تنها راه پایان دادن به این جنایات و فجایع، به میدان آمدن طبقه کارگر و همبستگی مردم آزادیخواه در وسعت جهانی و پایان دادن به حاکمیت بربریت سرمایه است. دیروز کودکان، زنان و مردم بیگناه عراق و افغانستان و سوریه و غیره قربانی مستقیم نقشه های کلثیف امپریالیست ها شدند. امروز کودکان، زنان و مردم اکراین و روسیه قربانیان همان سیاست شده اند.

#پیا_سوسیالیسم_یا_بربریت
#نه_به_جنگ_امپریالیستها
#نه_به_جنگ_سرمایه داران
#نه_به_جنگ_طلبی

نظم نوین جهانی بوش یا بایدن ...

اولی هزینه های چند هزار میلیارد دلاری برای آمریکا بدون نتیجه چندانی به پایان رسید. هزینه دومی را بخصوص اروپا پرداخت می کند و سود اش را شرکتهای آمریکائی به جیب میزنند. اولی با دهها هزار سرباز آمریکائی کشته شده به پایان رسید، دومی اش احیاناً حتی خون از دماغ یک سرباز آمریکائی هم نخواهد ریخت! در اولی چین و روسیه از درگیرهای نظامی آمریکا منفعت بردند، در دومی باید چین و روسیه درگیر بشوند تا استفاده اش را آمریکا ببرد!

آنوقت توی این محاسبات، عده ای قرون وسطائی همچنان گمان میکنند که "دموکراتها" واقعا دموکرات و صلح طلب اند و از جنگ و جنگ طلبی چندان چیزی نمی فهمند! مفتضحانه تر اینکه عده ای فکر میکنند، جنگ در گرفته امروز در اوکراین سانتیمتری به مقاومت مردمی و آزادیخواهی و غیره ربط دارد! عده ائی حتی به خیال خود معتقدند بایدن آنقدر پیر شده است که نمی فهمد چه میگوید؟

بهرحال چه "نظم نوین جهانی" بوش را در نظر بگیریم و چه "نظم

مجمع عمومی ظرف ابراز وجود مستقیم و مستمر کارگران است!

مجمع عمومی را آگاهانه و بنا به هر نیازی برپا کنید!

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهید!

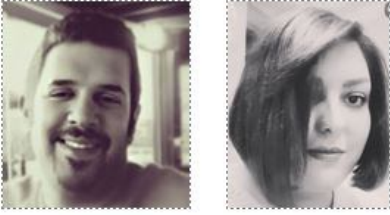
جهان بدون فراخوان سوسیالیسم،

بدون امید سوسیالیسم،

بدون «خطر» سوسیالیسم، به چه منجلائی تبدیل میشود!

منصور حکمت

آموزش رایگان برای همگان!



ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کله‌ر

بدی قرار دارند. کارگران شهرداری چابهار با وضعیت بد معیشتی و اقتصادی و کمترین حقوق در شرایط بسیار سختی بسر می‌برند و از افزایش حقوق و دیگر مزایای اداره کار محروم هستند.

بازداشت ۳۰ نفر از شرکت کنندگان جشن نوروزی سنندج

بیش از ۳۰ نفر از شهروندانی که روز دوشنبه یکم فروردین ماه، طی مراسم نوروز در پارک کودک سنندج شرکت کرده بودند، توسط نهادهای امنیتی بازداشت شدند. سرکوب و بازداشت مردم بمناسبت شادی در آغاز سال نو، رویدادی که بندرت در کشورهای دیگر مشاهده شده است، بیانگر ضدیت رژیم اسلامی با هر جلوه‌ای از زندگی و شادی است. وزارت اطلاعات دستور داده بود که در کردستان برای مراسم نوروز، از مسائل "ضد اخلاقی" و "خلاف شرع" از جمله رقص و پایکوبی مختلط زنان و مردان جلوگیری شود، "آهنگ‌های مبتذل" استفاده نشود و بجای آن نمادهای جمهوری اسلامی همچون پرچم بکار گرفته شود.

یک کارگر سپاهان به حبس و تبعید محکوم شد

عباس غفاری از سوی شعبه یک دادگاه عمومی حقوقی دادگستری شهرستان مبارکه، به یک سال حبس تعزیری و ۲ سال تبعید به شهرستان میرجاوه در استان سیستان و بلوچستان محکوم شده است. اتهام انتسابی علیه وی، "تبلیغ علیه نظام" از طریق تشکیل گروه در شبکه‌های اجتماعی در خصوص اعتراضات کارکنان سپاهان و "ارتباط با شبکه‌های معاند" عنوان شده است. شمار زیادی از کارگران به دلیل پیگیری مطالبات خود، در آستانه سال نو از کار اخراج و با مشکلات معیشتی بسیاری دست به گریبان شده‌اند. بنا بر اذعان مدیرعامل شرکت سپاهان، اخراج کارگران معترض بر اساس دستور نهادهای امنیتی شهرستان مبارکه صورت گرفته است.

پرونده سازی برای یک معلم معترض در خراسان رضوی

یک معلم شهرستان زواره، روز ۲۵ اسفند ماه، به دلیل شرکت در تجمعات اعتراضی فرهنگیان، به دادرسی احضار شد. محمدرضا شریعتی نیا، در این پرونده سازی به بهانه "اخلال در امنیت ملی" متهم و تا تشکیل دادگاه به قید وثیقه آزاد شده است.

۱۲ سال زندان برای افشار اختلاس امام جمعه پاسارگاد

امام جمعه پاسارگاد ۶۰۰ عدد کارت هدیه ۵۰۰ هزار تا ۱ میلیون تومانی جهت کمک به "نیازمندان" از ستاد نماز جمعه فارس گرفته بود که اسامی مردگان و جعلی در لیست اهدایی توسط مهدی فتحی برملا شد. این معلم دلسوز به خاطر افشای فساد باید ۱۲ سال زندان برود، به جرم "تشویش اذهان عمومی و توهین به امام جمعه"! *

اخراج ۱۰۰ نفر از کارگران ایران خودرو خراسان در شب عید در آستانه سال جدید و در شرایط اقتصادی موجود، شرکت ایران خودرو خراسان حدود ۱۰۰ نفر از کارگران خود را در زمان تنظیم قرارداد، عدم نیاز اعلام و از تمدید قرارداد با آنان خودداری کرده است.

تداوم تجمع اعتراضی کارگران کارخانه سیمان ممتازان کرمان

روز ۲۵ اسفند، کارگران کارخانه سیمان ممتازان در کرمان، برای چهارمین بار در آخرین روزهای سال جاری، دست به تجمع اعتراضی زدند. این کارگران به حقوق و دستمزد بسیار پایین‌شان معترض هستند.

حقوق معوقه و عیدی کارگران شهرداری کوت عبدالله

این کارگران می‌گویند: کارفرما حق بیمه‌ی برج دی را ناقص رد کرده و قرار است به زودی حقوق این برج را براساس همین حق بیمه‌های ناقص پرداخت کند که در عمل مبلغ بسیار ناچیزی می‌شود. کارفرما جریمه شدن توسط شهرداری را علت رد کردن ناقص حق بیمه عنوان کرده است. جریمه شدن پیمانکار به کارگران ربطی ندارد و پیمانکار به خاطر عملکرد ضعیف خود جریمه شده است؛ چرا کارگران باید بتوان آن را بپردازند؟ اواخر هفته پیش در پی شکایت از نمایندگان کارگران شهرداری کوت عبدالله یکی از این کارگران بعد از مراجعه به اداره بازرسی بازداشت شد. کارگران همچنین در این خصوص گفتند: این کارگر هنوز آزاد نشده است و جور کردن وثیقه یک میلیارد تومانی برای یک کارگر شهرداری بسیار سخت است.

اعتراض کارکنان رسمی سکویهای گازی پارس جنوبی

روز یکشنبه ۲۹ اسفند ماه، کارکنان رسمی شاعل در سکویهای دریایی میدانهای گازی پارس جنوبی نسبت به مغایرت بند ۵ تبصره ۱۲ بودجه ۱۴۰۱ با مجموعه قوانین مالیات‌های مستقیم "ماده ۸۲، ۸۳، ۸۴" و همچنین "حکم ۶۰۱ دیوان عدالت اداری" با در دست داشتن پلاکاردهایی و انتشار تصاویر آن اقدام به اعتراض نمودند. کارکنان حدود ۳۷ سکوی عملیاتی در بخش فراساحلی میدان گازی پارس جنوبی در این اعتراض کارکنان شرکت داشتند.

اعتراض کارگردان فضای سبز شهرداری چابهار به تبعیض مسئولین

کارگران فضای سبز و خدمات شهری شهرداری شهرستان چابهار نسبت به تبعیضات علیه خود توسط مسئولین ذیربط اعتراض دارند. شهرداری شهرستان چابهار با پارتی حقوق شماری از نیروها را که از نزدیکان مسئولین هستند افزایش داده و دیگر نیروهای شهرداری همچنان با کمترین دستمزد و عدم دریافت دستمزد به موقع در وضعیت

کارگر، معلم پیاخیز، برای رفع تبعیض!

**آدرسهای تماس با حزب
کمونیست کارگری - حکمتیست**

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته مرکزی

جمال کمانگر

jamalkamangar@yahoo.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

sharifi.nader@gmail.com



نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هنرمند کمونیست

برنامه های **تلویزیون پرتو**، رسانه حزب کمونیست
کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال
آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به کارگران و
دوستانتان معرفی کنید. **آدرس خط زنده:**

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!